

فصلنامه علمی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری

سال ۱۱، شماره پیاپی ۴۰، بهار ۱۳۹۹

شاپا چاپی: ۵۲۲۹-۲۲۲۸ - شاپا الکترونیکی: ۳۸۴۵-۲۴۷۶

<http://jupm.miau.ac.ir>

تحلیل و ارزیابی آسیب‌های اجتماعی در محلات دارای اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: محله اسلام‌آباد - شهر زنجان)

محمدتقی حیدری؛ استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران
شهرام محمدی: دانشجوی دکترای شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۸ صص ۷۶-۵۹ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۲۰

چکیده

از زمینه‌های ناپایداری توسعه شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد که به علت عدم توانایی سیاست‌های شهری برای حل و فصل مشکلات مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه و کنترل مهاجرت‌ها شکل گرفته است. سکونت‌گاه‌های غیررسمی با تجمعی از اقشار کم درآمد و غالباً با مشاغل غیررسمی و شیوه‌ای از شهرنشینی ناپایدار همراه‌اند و به دلیل برخورداری از شرایط انزوا زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌روند. هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آسیب‌های اجتماعی ناشی از اسکان غیررسمی و وضعیت آن‌ها در محله غیررسمی اسلام‌آباد شهر زنجان می‌باشد. روش پژوهش اکتشافی-تحلیلی بوده و روش جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه بوده است. تعداد نمونه آماری مورد مطالعه جهت تکمیل پرسشنامه شامل ۳۸۲ نفر از ساکنین محله غیررسمی اسلام‌آباد می‌باشد. شاخص‌های تحقیق در قالب ابعاد شش‌گانه آسیب‌های اجتماعی شامل ابعاد اقتصادی، محیطی، اجتماعی-فرهنگی، خانوادگی، فردی-روانی، مدیریتی به صورت محقق ساخته بوده و با مطالعه پیشینه تحقیق و نظریه‌ها و رویکردهای آسیب‌های اجتماعی تنظیم گردیده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل عاملی، آزمون تک نمونه‌ای t ، آزمون رگرسیون خطی چندگانه و الگوی تحلیل یکپارچه ANP بهره گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده آسیب‌های اجتماعی در محله غیررسمی اسلام‌آباد ناشی از بیکاری (با ضریب ۰٫۹۸۰)، بی‌عدالتی (با ضریب ۰٫۹۸۸)، و توزیع ناعادلانه ثروت (با ضریب ۰٫۹۷۸) می‌باشد و بعد «اجتماعی-فرهنگی» (با ضریب $\beta=0.627$) بیش‌ترین همبستگی را بر گسترش آسیب‌های اجتماعی دارد. یعنی با تضعیف شرایط اجتماعی-فرهنگی در جامعه، آسیب‌های اجتماعی نیز گسترش پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی اجتماعی، حاشیه‌نشینی، مدیریت و پیشگیری از جرم، شهر زنجان.

مقدمه:

از عوامل مؤثر بر بالا بودن میزان جرائم و آسیب‌های اجتماعی، وجود مکان‌ها و مناطق جرم‌خیز است. جرم و انحرافات اجتماعی دارای ظرف مکانی و زمانی منحصربه‌فردی است که باعث می‌شود رفتار مجرمانه در واحد مکان، توزیع فضایی یکسانی نداشته باشد (Firozi 47: 2014, Madanlou). سکونتگاه‌های غیررسمی که از زمینه‌های ناپایداری توسعه شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌گردند، ضمن آن که سیمایی آشفته و بی‌نظم در بخش خاصی از شهر به وجود می‌آورند، لطمات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای را بر کل مجموعه شهر تحمیل می‌کنند (Bardi Ana Morad Nejan, 2014: 65). شرایط فیزیکی - کالبدی مناطق اسکان غیررسمی عبارت است از تراکم بالای جمعیت، فقدان تسهیلات مناسب زندگی، کمبود خدمات اولیه زیربنایی، محیط‌زیست آلوده و غیربهداشتی، همچنین در این محل‌ها درصد بالایی از بی‌سوادی، بیکاری، جنایت و ناهنجاری‌های روانی مشاهده می‌گردد (Beckley, 278: 2015). بر این اساس اسکان غیررسمی به عنوان یکی از بسترهای بروز آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌ها محسوب می‌شود (Mirzad Zare, 2015: 93, Vatan Dost et al, 2015: 13). آسیب‌های اجتماعی یکی از محورهای مباحث اصلی مطالعات آسیب‌شناسی و ناپایداری شهری در اغلب شهرهاست زیرا انحراف و بزه‌کاری و سایر آسیب‌های و انحرافات اجتماعی، نوعی عارضه و بیماری می‌باشد و وقتی آثار آسیب‌ها در جامعه رخ می‌نماید، مختص یک فرد نبوده و عوارض آن حتی به یک جامعه نیز محدود نمی‌شود، بلکه بر اساس فرهنگ‌های مختلف و استحکام ریشه‌های فرهنگی، این عوارض متفاوت بوده و به سرعت با الگوسازی که از آن‌ها می‌شود، به صورت یک عارضه همه‌فراگیر در خواهد آمد. آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی محیط‌زیست و اجتماع بشری را دست‌خوش پیامدهایی کرده و امکان زندگی سالم و کم‌دغدغه را به خصوص در یک جامعه دین‌دار از بین خواهد برد (Golpour, 2017: 17). آسیب‌ها و ناهنجاری‌های مذکور به تدریج با شیوع در داخل شهر می‌توانند فرایند زندگی اجتماعی در شهر را با اختلال مواجه کرده و از این طریق مدیریت شهری را با مشکل مواجه نمایند. در همین راستا پژوهش حاضر تلاشی است علمی برای بیان هم‌پیوندی، ارتباط دوسویه و آثار متقابل میان ساختارهای اجتماعی و ساختارهای کالبدی در بروز مسائل و آسیب‌های شهری که از طریق درک و تحلیل الگوهای فضایی رفتارهای انسانی و آسیب‌های اجتماعی در محله اسلام‌آباد شهر زنجان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین محلات اسکان غیررسمی، سازمان یافته است. به همین سبب شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی و وضعیت آن‌ها در این منطقه، مسئله اصلی است که این پژوهش به آن پرداخته است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

- عوامل تأثیرگذار بر گسترش آسیب‌های اجتماعی در محله غیررسمی اسلام‌آباد کدام‌اند؟
- وضعیت هر کدام از عوامل تأثیرگذار بر گسترش آسیب‌های اجتماعی در محله غیررسمی اسلام‌آباد چگونه می‌باشد؟

مبانی نظری پژوهش و پیشینه:

آسیب‌های اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن: در یک نظام اجتماعی هنگامی که رفتاری به گونه‌ای چشمگیر با هنجار همگانی اختلال پیدا می‌کند و مورد کیفر قرار می‌گیرد آسیب اجتماعی نامیده می‌شود (Tak, 2001: 18). آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی یا غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی رو به رو می‌گردد (Abdollahi, 2006: 15).

آسیب‌های اجتماعی را بر اساس واحد تحلیل و نوع نگاه به علل جرم می‌توان به دو رویکرد کلی تقسیم کرد. اولین رویکرد، رویکرد «جامعه‌شناختی» است که در مطالعات جرم به فرد، انگیزه‌ها، تمایلات ذهنی، ویژگی‌های شخصیتی، زمینه خانوادگی و تعلق گروهی مجرم توجه دارد. این رویکرد، با تکیه بر نظریات جامعه‌شناختی، به تأثیر عوامل اجتماعی بر وقوع کج‌روی و جرم تأکید دارد. در مقابل و در رویکرد دوم، که آن را رویکرد «بوم‌شناختی» می‌نامیم. بررسی زمینه عینی وقوع جرم و عوامل موقعیتی و فرصت‌هایی که باعث وقوع جرم و آسیب‌ها می‌شود، بیش از عوامل اجتماعی جرم، مانند فقر و بیکاری، مورد توجه است (Hassanzadeh Amin and et al, 2011: 55). در این میان مکان، محیط جغرافیایی، خصوصیات فیزیکی محیط، معماری و طراحی فضاها و به طور کلی زمینه‌های موقعیتی می‌تواند به عنوان متغیرهای تأثیرگذار در رویکرد دوم مطرح شوند. تأکید بر مکان در نظریه‌های این رویکرد، کاستی‌های ناشی از تأکید صرف بر انگیزه‌های مجرمانه را در شناخت و تبیین جرم جبران می‌کند (Aliber, 2003: 114). دیدگاه‌ها و نظرگاه‌هایی که رفتارهای انسانی و آسیب‌های اجتماعی را در فضاها به طور اعم و فضاها شهری به طور اخص تبیین می‌کنند، متناسب با فلسفه این دیدگاه‌ها از یک سو و ماهیت چندوجهی رفتارهای انسانی و آسیب‌های اجتماعی از سوی دیگر، برخی به وجود رابطه و تأثیر تعیین‌کننده عوامل درونی-ذهنی، روان‌شناختی، اجتماعی-اقتصادی فرهنگی (دیدگاه‌های نافیایی و غیر فضایی) تأکید دارند و برخی دیگر نقش عوامل محیط بیرونی یا

مؤلفه‌های فضایی، کالبدی و مکانی (دیدگاه فضایی) را در بسترسازی برای الگوهای رفتاری، رفتارهای انسانی و شکل‌دهی به آسیب‌های اجتماعی تعیین کننده می‌دانند. از همین روست که آسیب‌های اجتماعی به صورت مستقل یا چند سطحی قابل تحلیل و تبیین‌اند (Ali & Derakhshan, 2014: 53). در این بین توجه به مکان، به عنوان عامل بی‌واسطه در وقوع آسیب‌های اجتماعی، در مقایسه با عوامل فردی یا ساختاری این امکان را محقق می‌سازد تا راهکارهای عملی تری برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی ارائه شود (Zangi & Abadi, 2015: 95). همان طور که عمده دیدگاه‌های نظری معاصر در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی نیز با این رویکرد به بررسی جرم می‌پردازند (Bahadori et al, 2017: 18).

اسکان غیررسمی و آسیب‌های اجتماعی: اگر چه دلیل قاطع و استدلال بسط‌پذیری وجود ندارد که آسیب‌های اجتماعی را از نظر مکانی مختص جوامع شهری بدانیم، به طور معمول شهرها کانون اصلی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی‌اند. از نظر تاریخی نیز نرخ جرائم و آسیب‌های اجتماعی در نواحی شهری همواره بالا بوده است (Haliwal and et al, 2000: 310). نواحی مختلف شهری با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های بومی و جامعه‌شناختی‌شان پتانسیل متفاوتی را برای بروز آسیب‌های اجتماعی در خود به وجود می‌آورند. در این بین مناطق دارای اسکان غیررسمی به دلیل برخورداری از شرایط انزوا موقعیت مناسبی را برای بروز انواع جرائم و آسیب‌ها فراهم می‌کنند (Gyarmathy and Neaigus, 2011: 393). در مناطق مذکور انعطاف‌پذیری بالایی برای ارتکاب به جرائم وجود دارد؛ از این رو به دلیل موقعیت کالبدی پایین، نبود امکانات، نابرابری در دستیابی به امکانات، خطری برای افزایش جرم و جنایت در سراسر جهان هستند (Mowat, 2015: 459). به همین سبب می‌توان گفت از زمینه‌های ناپایداری توسعه شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد؛ که به علت عدم توانایی سیاست‌های شهری برای حل و فصل مشکلات مسکن اقشار آسیب‌پذیر جامعه و کنترل مهاجرت‌ها شکل گرفته است (Smolka, 2008: 19). سکونت‌گاه‌های غیررسمی با تجمعی از اقشار کم‌درآمد و غالباً با مشاغل غیررسمی و شیوه‌ای از شهرنشینی ناپایدار همراه‌اند و زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌روند (Malekian et al, 2016: 87).

اسکان غیررسمی با عوارضی مانند: فقر، سوابق قومی و فرهنگی متفاوت مهاجران در حاشیه و عدم وجود حریم خصوصی در ارتباط است که موجب بروز ویژگی‌های منفی شخصیتی مانند: پوچی و بی‌ارزشی حقارت، سرخوردگی و عدم توانایی در بروز احساساتی مانند خشم می‌گردد و خود می‌تواند یکی از عوامل اصلی بروز انواع آسیب‌ها و بزه‌کاری‌ها از جمله اعتیاد، تکدی‌گری، برخورد‌های فیزیکی و سرقت و غیره شود (Tavasili & Nuor Moradi, 2012: 66). نوع جمعیت مهاجر، ساخت‌وسازهای بی‌ضابطه و غیراستاندارد، دسترس‌پذیری ضعیف، نظارت ضعیف سازمان‌های انتظامی و شهری و تراکم این محلات، وجه متمایز این سکونت‌گاه‌ها از سایر محلات شهری است. بیش از آنکه موقعیت کالبدی و شرایط فردی ساکنین مسبب مشکلات این محلات باشد، آثار ناحیه‌ای حاصله از مجاورت گروه‌های اجتماعی فاقد فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی برتر، سازنده محیطی با سرمایه اجتماعی ضعیف، همراه با برچسب‌های منفی اجتماعی و خدمات‌رسانی ضعیف شهری است. به عبارتی، مجاورت گروه‌های اجتماعی کمتر برخوردار در محیط محله، باعث شکل‌گیری اجتماعات طرد شده و کم‌امید است (Atkinson and et al, 2010: 157-159).

تاکنون مطالعات متعددی بر اثرات معنادار و مهم سکونت‌گاه‌های غیررسمی بر انواع آسیب‌های اجتماعی و بزه‌کاری در میان گروه‌های مختلف سنی ساکن در حاشیه شهرها تأکید داشته‌اند (Mohseni, 2015: 9). در این راستا سرنوشت اجتماع محلی در جوامع شهری یکی از موضوعات اساسی جامعه‌شناسی مدرن از زمان شکل‌گیری مکتب شیکاگو است (Delanty, 2003: 51). پارک به عنوان بنیان‌گذار مکتب شیکاگو با تأکید بر رابطه بین مهاجرت و بی‌سازمانی اجتماعی، جهان اجتماعی را به عنوان ترکیبی از گروه‌ها و افراد در حال رقابت در وضعیت دائمی از سازگاری جدید و تعادل بی‌ثبات می‌بیند. به زعم وی، مهاجرت و تحرکات جمعیت، نظم اجتماعی را به هم می‌زند. زوال پیوندهای محلی و توانایی ضعیف گروه‌های اولیه مانند خانواده و محله برای اعمال سازوکارهای غیررسمی کنترل اجتماعی در محیط شهری، از عوامل مستقیم جرم، بزه‌کاری جوانان و فساد هستند (Caves, 2005: 504). شاو و مک کی^۱ با تأکید و تمرکز بر خصوصیات محل به جای خصوصیات مجرمان در ماهیت تحقیقات جرم‌شناسی تغییرات بنیادی پدید آوردند و مطالعه جرم را به زمینه اجتماعی و اجتماعات وارد کردند. آن‌ها با مطالعه محله‌ها و سرگذشت زندگی بزه‌کاران به این نتیجه دست یافتند که محله‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی دارای بالاترین میزان جرم، آسیب‌های اجتماعی و کارهای خلاف است که در نواحی صنعتی یا تجاری قرار دارند (Nasiri, 2003: 86). مک کورد و همکاران^۲ (۲۰۰۹) با تحلیل شدت اعتبار و اثرات جرائم در کاربری اراضی و ارائه الگو جرائم محلی در آمریکا نشان دادند که جرائم

1. Show and Mc Kay
3. McCord and et al

به طور تصادفی و در فضا رخ نمی دهند. مکان هایی معین در محیط، ویژگی هایی از خود نشان می دهد که آن ها را برای مجرمان، بالقوه جذاب تر می کند. ممکن است انواع معینی از کاربری زمین در یک ناحیه وجود داشته باشد که مقدار بیشتری از جرم و بی نظمی را دامن بزند. این کاربری ها حجم گسترده ای از جمعیت را جذب می کند و ممکن است آنان نیز در به وجود آمدن جرم در شهر مؤثر باشند. بکلی (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «پیشگیری از حاشیه نشینی» به مطالعه رفتارهای مهاجران خلاف کار در سوئد پرداخته است. یافته های این بررسی نشان می دهد که فقدان رفتار شهروندی در میان این افراد، مشارکت آن ها را به سمت جرم و جنایت سوق داده است که این نتیجه سیاست های اشتباه به حاشیه راندن مهاجران در کشور سوئد است؛ بنابراین تغییر در سیاست های مهاجرتی تنها ابزار کاهش جرائم حاشیه نشینان و پیشگیری از حاشیه نشینی در سوئد است. از مطالعات داخلی علی اکبری و درخشان (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان تحلیل الگوهای فضایی آسیب های اجتماعی در محیط های شهری (مورد: منطقه پنج کلان شهر تهران) به این نتیجه رسیدند که بستر فضایی-جغرافیایی شهر و ساختارهای کالبدی و کارکردی بارگذاری شده در آن بر شکل گیری کانون های مکانی، محورهای فضایی، شدت تراکم، دامنه و نحوه انتشار فضایی آسیب ها و در نتیجه الگوهای فضایی آسیب های اجتماعی اثر تعیین کننده دارد. محسنی (۱۳۹۴) طی پژوهشی با عنوان شهر و آسیب شناسی اجتماعی-اقتصادی آن (موردی: گرگان) در می یابد که هم زمان با رشد فیزیکی و اجتماعی شهرها و تبدیل شدن آن ها به مراکز نامتجانس و ناهمگن اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، میزان جرائم شهرها به ویژه در مناطق مرکزی و حاشیه ای شهرهای بزرگ افزایش یافته است به طوری که با بالا رفتن اندازه و وسعت شهرها میزان جرائم و آسیب های شهری افزایش یافته و بر ابعاد کمی و کیفی آن افزوده می شود. میزان جرائم و آسیب های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی شهری با درجه توسعه شهری رابطه دارد و به موازات افزایش جمعیت شهری، میزان جرائم و آسیب ها هم افزایش می یابد. فیروزی و مدانلو جویباری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان واکاوی آسیب های اجتماعی در محلات فرسوده شهری (نمونه: منطقه سه شهر ساری) دریافته اند که محلات بافت فرسوده منطقه سه شهر ساری از نظر توزیع فضایی آسیب های اجتماعی و جرائم، تقریباً بالاترین میزان وقوع جرم و آسیب را در بین محلات دیگر بافت های جدید شهر دارند و از ویژگی های کالبدی مجموعه، خصوصیات شهرسازی و ریخت شناختی بافت محلات در این ارتباط مهم بوده است.

روش تحقیق:

انجام تحقیق حاضر مبتنی بر راهبرد پس کاوی بوده و نوع پژوهش اکتشافی-تحلیلی می باشد. جامعه آماری این پژوهش جمعیت ساکن در منطقه اسلام آباد شهر زنجان بوده که در سال ۱۳۹۵ برابر با ۳۵۸۲۰ نفر بوده است (Adiban et al, 2016: 35). با توجه به زیاد بودن تعداد جامعه آماری جهت مصاحبه و توزیع پرسشنامه، بخشی از جامعه آماری جهت مصاحبه و توزیع پرسشنامه انتخاب شده است. در این زمینه با استفاده از روش نمونه گیری مورگان؛ ۳۸۲ نفر به عنوان نمونه آماری جهت مصاحبه و توزیع پرسشنامه انتخاب شده است. شاخص های تحقیق در قالب ابعاد شش گانه آسیب های اجتماعی به صورت محقق ساخته و با مطالعه پیشینه تحقیق و نظریه ها و رویکردهای آسیب های اجتماعی تنظیم شده است که به شرح جدول ۱ می باشد. برای تأیید شاخص ها و پرسشنامه تحقیق از آزمون های روایی و پایایی بهره گیری شده است. در این تحقیق، روایی پرسشنامه با کمک ۱۰ نفر از اساتید برنامه ریزی شهری و جامعه شناسی تأیید گردید. پایایی پرسشنامه نیز با ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰٫۸۶۱ برآورد گردید که مورد تأیید می باشد. برای تحلیل داده ها از آزمون تحلیل عاملی، آزمون تک نمونه ای t ، آزمون رگرسیون خطی چندگانه و الگوی تحلیل یکپارچه ANP بهره گیری شده است. تحلیل عاملی به منظور برآورد بار عاملی گوینه ها و درجه اهمیت آن ها در تحلیل های بعدی استفاده گردیده است. آزمون تک نمونه ای T نیز به منظور بررسی وضعیت هر یک از شاخص های پژوهش و میزان تعمیم پذیری نتایج پرسشنامه انجام شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل رگرسیونی چندگانه، نقش و تأثیر هر یک از عوامل بر آسیب های اجتماعی محله اسکان غیررسمی اسلام آباد مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت با استفاده از الگوی تحلیل یکپارچه ANP درجه اهمیت هر یک از ابعاد شش گانه آسیب های اجتماعی بر اساس امتیاز نمونه آماری و همچنین میزان همبستگی و تأثیرگذاری شاخص ها مورد بررسی و تحلیل قرار یافته است. گفتنی است که برای تحلیل داده ها از نرم افزارهای SPSS و Expert Choice کمک گرفته شده است.

جدول ۱- ابعاد و شاخص‌های مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی

ابعاد	شاخص	مأخذ
اقتصادی	فقر	Nye, 2008; Thompson, 2011 Shokri, 2016; Aga bakhshi, 2015 Rafei pour, 1999
	بیکاری	
	بی‌عدالتی (نابرابری در ارائه خدمات شهری)	
	فاصله طبقاتی زیاد جامعه	
	توزیع ناعادلانه ثروت	
محیطی	شرایط اقلیمی (به ویژه سرمای زمستان، هوای بارانی)	Howe, 2005; Nye, 2008, Meshkini, 2013; Kalamtari, 2010
	روشنایی محله در شب	
	وجود فضاهای باز (ساخته نشده) در محله	
	وجود اماکن متروکه در محله	
	تنگ و پر پیچ و خم بودن معابر	
	نبود کاربری‌های عمومی و سرگرم‌کننده	
	نبود کاربری‌های انتظامی (کلانتری و پاسگاه)	
طولانی بودن شب در پاییز و زمستان		
اجتماعی- فرهنگی	ترکیب ساختار جمعیتی	Sedig servestani, 2017 Howe, 2005; Nye, 2008, Molaie et al, 2016 Salehi Amiri & Khodaei, 2010 Salehi Amiri, S., Khodaei, 2010
	ازدیاد جمعیت	
	مهاجرت	
	نامنی	
	تغییر ارزش‌ها	
فاصله نسل‌ها		
خانوادگی	خانواده پر جمعیت	Nye, 2008; Thompson, 2011 Salehi Amiri, S., Khodaei, 2010 Ahmadi, 2013
	خانواده گسسته و پر تنش	
	سابقه بزه‌کاری در خانواده	
	سابقه اعتیاد در خانواده	
	ناآگاهی والدین از نیاز فرزندان	
طلاق والدین		
فردی-روانی	ویژگی‌های شخصیتی کودکان	Howe, 2005; Nye, 2008 Sekhavat, 2013 Farjad, 2012 Tavasoli, 2011
	ظرفیت روانی و توانمندی کودکان	
	بحران بلوغ و تأثیرات آن	
	جنسیت	
	سن	
	قدرت طلبی	
	بیماری روانی	
مدیریتی	کمبود نیروی پلیس	Sedig servestani, 2017 Nye, 2008; Thompson, 2011
	بی‌توجهی مسئولان شهری به عمران محله	
	نبود برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در محله	
	بی‌اهمیت جلوه دادن مشکلات محله توسط نهادهای مسئول	
	عدم توجه به مشارکت و نظرخواهی از ساکنین در طرح‌های توسعه شهری محله	
	بی‌توجهی به درخواست‌های مردم و عدم رسیدگی به آن‌ها توسط نهادهای مسئول	

منبع: مطالعات کتابخانه‌ای نگارندگان، ۱۳۹۷.

شناخت محدوده مورد مطالعه:

محله اسلام‌آباد در بخش شمال غربی شهر زنجان قرار دارد. این محله دارای ۳۵۸۲۰ نفر جمعیت، با مساحت ۱۹۵۱۳۰۰ مترمربع و تراکم ۱۸۲/۶ نفر در هکتار می‌باشد. گفتنی است که محله اسلام‌آباد تنها ۳/۲ درصد از مساحت شهر را شامل می‌شود، درحالی‌که ۱۰ درصد

از جمعیت شهر را در خود جای داده است. محله اسلام آباد امروزه با ساخت و سازهای صورت گرفته شده در شمال آن مانند شکل گیری کوی فرهنگ (علی آباد) و الهیه و شهرک جدید صدرا کاملاً در داخل شهر قرار گرفته است و از نظر کالبدی در حاشیه شهر قرار ندارد ولی همواره با چشم اندازی پر تراکم و بافتی پر و شلوغ به چشم می زند (Daviran et al, 2011: 120).



شکل ۱- موقعیت محله اسلام آباد در شهر زنجان و کشور- ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۷.

یافته های تحقیق:

طبق جدول ۲، دو گروه ۳۹-۳۰ سال با ۴۲ درصد و بالای ۵۰ سال با ۱۱٫۸ درصد بیشترین تعداد برای توزیع پرسشنامه انتخاب شده اند و گروه مطلع و فعال منطقه با ۸۸ درصد بیش از همه در ارائه اطلاعات به محققین کمک نموده اند. از این رو می توان گفت که اطلاعات پرسشنامه به لحاظ سنی اعتبار و اطمینان بیشتری را دارا می باشد. در این تحقیق میزان مشارکت زنان در پاسخ به سؤالات، ۲۰ درصد و میزان مشارکت مردان ۸۰ درصد بوده است. البته این مقدار با توجه به مشارکت پایین زنان در تحقیقات دیگر، قابل قبول می باشد.

جدول ۲- گروه های سنی نمونه آماری در محله اسلام آباد

سن	تعداد (نفر)	درصد
سال ۲۰-۲۹	۱۰۳	۲۷٫۰
سال ۳۰-۳۹	۱۶۲	۴۲٫۴
سال ۴۰-۴۹	۷۲	۱۸٫۸
سال ۵۰+	۴۵	۱۱٫۸
کل	۳۸۲	۱۰۰

منبع: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۷.

طبق جدول ۳، حدود ۴۵ درصد از افراد، درآمدی بین ۱ تا ۲ میلیون تومان در ماه داشته اند. این گروه بیشترین طیف نمونه ها را به خود اختصاص داده اند. بعد از این گروه، طیف درآمدی ۲ میلیون تومان تا ۳ میلیون تومان با ۲۴٫۹ درصد دومین گروه نمونه آماری را تشکیل داده و در نهایت افراد با درآمد بالای ۳ میلیون تومان ۹ درصد از نمونه های آماری را تشکیل می دهند.

جدول ۳- وضعیت درآمد خانوار ماهانه در بین نمونه آماری در محله اسلام آباد

درآمد (تومان در ماه)	تعداد	درصد
زیر ۱ میلیون	۸۰	۲۰٫۹
۱ تا ۲ میلیون	۱۷۲	۴۵
۲ تا ۳ میلیون	۹۵	۲۴٫۹
بالاتر از ۳ میلیون	۳۵	۹٫۲
کل	۳۸۲	۱۰۰

منبع: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۷.

وضعیت شاخص‌های مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی در محله اسلام‌آباد :

بررسی شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی در جدول ۴ بر اساس تحلیل عاملی نشان می‌دهد که اکثر شاخص‌ها و گویه‌های تحقیق امتیاز عاملی بالاتر از متوسط را دارا می‌باشند. در نتیجه ضریب اهمیتی بالایی در شناسایی آسیب‌های اجتماعی از نظر نمونه آماری دارند. با توجه به اینکه، در تحلیل عاملی میزان اشتراکات واریانس مشترک یک متغیر با سایر متغیرهای به کار گرفته شده تبیین می‌گردد تا متغیرهای کم اهمیت در چرخه تحلیل کنار گذاشته شود. لذا هر چقدر میزان آن در هر شاخص بالاتر باشد، نشان می‌دهد که آن شاخص دارای ارتباط بیشتری با سایر شاخص‌های به کار گرفته شده در موضوع است و از نظر نمونه آماری اهمیت بیشتری در محله دارد. در این مرحله شاخص‌هایی که مقادیر عددی آن‌ها بیشتر از ۰,۴ باشد درجه اهمیت مطلوب و مؤثرتری دارند. خروجی جدول ۵ نشان می‌دهد که شاخص‌های «خانواده پر جمعیت»، «تنگ و پر پیچ و خم بودن معابر»، «نبود کاربری‌های انتظامی»، «نبود برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در محله»، و «تغییر ارزش‌ها» بار عاملی کمتر از ۰,۴ دارند و از چرخه تحلیل‌های بعدی مقاله خارج می‌شوند. این شاخص‌ها نشان می‌دهد که نمونه آماری به کمبودهای کالبدی یا ابعاد خانوار توجه چندانی ندارند و از نظر آن‌ها این عوامل منجر به رشد آسیب‌های اجتماعی نمی‌گردد و باید ریشه چنین ناهنجاری‌ها را در شیوه مدیریت فضا و عدالت اجتماعی جستجو کرد. مسئله بعدی این است که طبق تحلیل عاملی، دیگر شاخص‌ها بار عاملی بالای ۰,۴ دارند. در بین مؤلفه‌های یادشده، شاخص‌های اقتصادی دارای بار عاملی بالای ۰,۹ هستند که نشان می‌دهد مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده آسیب‌های اجتماعی در محله اسلام‌آباد ناشی از بیکاری (با ضریب ۰,۹۸۰)، بی‌عدالتی (نابرابری در ارائه خدمات شهری) (با ضریب ۰,۹۸۸)، و توزیع ناعادلانه ثروت (با ضریب ۰,۹۷۸) می‌باشد. بررسی ابعاد دیگر نیز نشان می‌دهد که بیش‌ترین عامل رشد آسیب‌های اجتماعی در بعد خانوادگی: ناآگاهی والدین از نیاز فرزندان با ضریب ۰,۹۶۴ در بعد محیطی: روشنایی محله در شب با ضریب ۰,۹۸۴ در بعد فردی روانی: قدرت‌طلبی با ضریب ۰,۷۷۳ در بعد اجتماعی: ازدیاد جمعیت با ضریب ۰,۹۲۸ در بعد مدیریتی: کمبود نیروی پلیس با ضریب ۰,۶۶۷ می‌باشد. لذا برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در محله اسلام‌آباد، باید مؤلفه‌های یادشده بیش از همه مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گیرد.

جدول ۴- تبیین وضعیت شاخص‌ها و گویه‌های آسیب‌های اجتماعی با تحلیل عاملی

شاخص	گویه	ضریب	شاخص	گویه	ضریب
اقتصادی	فقر	۰,۹۶۶	خانوادگی	ناآگاهی والدین از نیاز فرزندان	۰,۹۶۴
	بیکاری	۰,۹۸۰		خانواده گسسته و پر تنش	۰,۴۷۳
	بی‌عدالتی (نابرابری در ارائه خدمات شهری)	۰,۹۸۸		سابقه بزه‌کاری در خانواده	۰,۹۴۹
	فاصله طبقاتی زیاد جامعه	۰,۹۲۳		سابقه اعتیاد در خانواده	۰,۹۴۵
	توزیع ناعادلانه ثروت	۰,۹۷۸		خانواده پر جمعیت	۰,۳۰۴
	شرایط اقلیمی	۰,۹۲۰		طلاق والدین	۰,۷۰۵
محیطی	روشنایی محله در شب	۰,۹۸۴	فردی روانی	ویژگی‌های شخصیتی کودکان	۰,۶۸۶
	وجود فضاهای باز (ساخته نشده) در محله	۰,۶۹۷		ظرفیت روانی و توانمندی کودکان	۰,۶۵۸
	وجود اماکن متروکه در محله	۰,۷۴۰		بحران بلوغ و تأثیرات آن	۰,۷۳۸
	تنگ و پر پیچ و خم بودن معابر	۰,۲۴۵		جنسیت	۰,۷۵۲
	نبود کاربری‌های عمومی و سرگرم‌کننده	۰,۶۳۸		سن	۰,۶۵۷
	نبود کاربری‌های انتظامی	۰,۱۱۰		قدرت‌طلبی	۰,۷۷۳
	طولانی بودن شب در پاییز و زمستان	۰,۴۰۶		بیماری روانی	۰,۶۳۵
اجتماعی فرهنگی	ترکیب ساختار جمعیتی	۰,۴۶۶	مدیریتی	کمبود نیروی پلیس	۰,۶۶۷
	ازدیاد جمعیت	۰,۹۲۸		بی‌توجهی مسئولان شهری به عمران محله	۰,۶۰۶
	مهاجرت	۰,۶۸۳		نبود برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در محله	۰,۲۷۴
	نامنی	۰,۷۱۸		بی‌اهمیت جلوه دادن مشکلات محله توسط مسئولان	۰,۴۰۸
	تغییر ارزش‌ها	۰,۳۴۷		عدم توجه به مشارکت ساکنین در طرح‌های شهری	۰,۵۴۷
	فاصله نسل‌ها	۰,۷۵۴		بی‌توجهی به درخواست‌های مردم توسط مسئولان	۰,۵۷۲

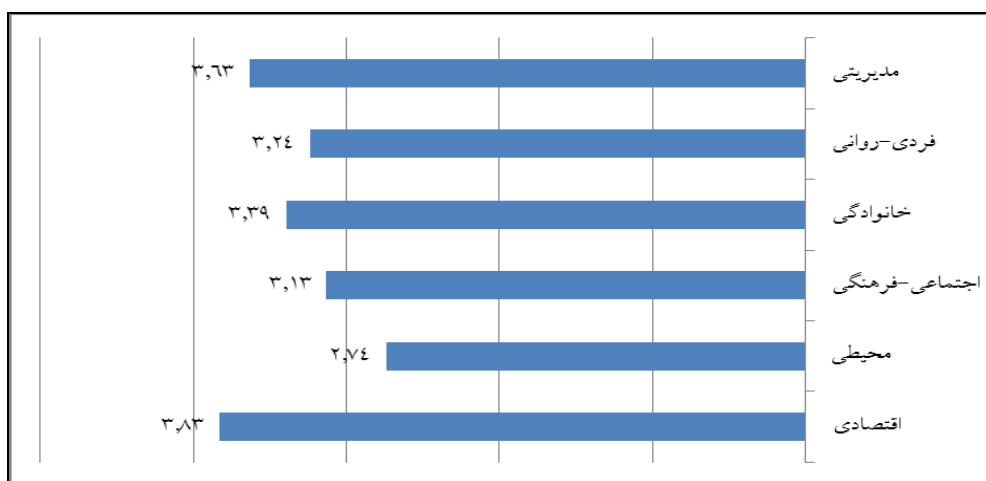
مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۷.

با مشخص شدن عوامل اصلی مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی در ابعاد گوناگون، به منظور بررسی دقیق‌تر و تعمیم‌دهی آن به کل محله اسلام‌آباد و شهر زنجان، از آزمون تک نمونه‌ای t استفاده شده است. طبق این آزمون، میانگین تأثیر شاخص‌ها در گسترش آسیب‌های اجتماعی در محله اسلام‌آباد برابر ۳,۳۳ است. یعنی به طور متوسط، شاخص‌های جدول ۵ تأثیر رو به گسترشی در آسیب‌های اجتماعی دارند. در این میان، بررسی جزئی‌تر شاخص‌ها نشان می‌دهد، هر کدام از این مؤلفه‌ها تأثیر یکسان و مشابهی در محله ندارند. در این رابطه، بررسی آماره‌های آزمون تک نمونه‌ای t ، نشان داد که در تمامی شاخص‌ها سطح معنی‌داری کمتر از $P < 0,05$ است، و فرضیه صفر ($H_0: \mu \leq 3$) مبنی بر عدم معنادار نبودن روابط و آماره‌ها رد می‌شود. با توجه به رد فرضیه صفر از طریق آماره سطح معنی‌داری، می‌توان به مقایسه و تحلیل شاخص‌ها از طریق آماره T پرداخت. در این مرحله می‌توان تشخیص داد که کدام شاخص‌ها بر کنترل و گسترش آسیب‌های اجتماعی محله تأثیرگذارتر است. طبق نتایج جدول ۶ شاخص‌های اقتصادی با امتیاز ($t = 22,9$) بیش‌ترین امتیاز را کسب کرده است و از نظر نمونه آماری این شاخص‌ها در محله اسلام‌آباد، مؤثرترین مؤلفه است. بعد از آن شاخص‌های «مدیریتی» با امتیاز ($t = 17,41$)، «خانوادگی» با امتیاز ($t = 14,9$) و «فردی-روانی» با امتیاز ($t = 6,81$) در رتبه‌های بعدی قرار دارند و در نهایت شاخص‌های «محیطی» با امتیاز ($t = -8,63$) کمترین تأثیر را در گسترش آسیب‌های اجتماعی دارد. بدین ترتیب بررسی‌های انجام‌شده با آزمون تک نمونه‌ای T ، و تعمیم آن به کل محله نیز بیانگر تأثیر قابل‌توجه مؤلفه‌های اقتصادی بر گسترش آسیب‌های اجتماعی در محله اسلام‌آباد است. به طور کلی می‌توان گفت که محله اسلام‌آباد به لحاظ شاخص اقتصادی و ضریب برخورداری از خدمات شهری در سطح بسیار نازلی قرار دارند. در نتیجه، فقر، بیکاری، کمبود خدمات و سطح پایین رفاه، منجر به رشد انواع بزه‌کاری در محله می‌گردد و ساکنین محله برای گذران زندگی و امرار معاش، مجبور به انجام هر نوع فعالیت‌های اقتصادی با بار منفی اجتماعی می‌شوند.

جدول ۵- وضعیت شاخص‌های مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی محله اسلام‌آباد با آزمون تک نمونه‌ای T

Test Value = 3					Mean	سنجش‌ها	
۹۵% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig. (۲-tailed)	df			t
Upper	Lower						
۰.۴۸۰	۰.۳۱۰	۰.۳۹۵	۰,۰۰۰	۱۹۰	۹.۲۲	۸۳.۳	اقتصادی
-۰.۱۹۸	-۰.۳۱۵	-۰.۲۵۷	۰,۰۰۰	۱۹۰	-۸.۶۳	۲.۷۴	محیطی
۰.۳۰۳	-۰.۰۵۲	۰.۱۲۶	۰,۰۰۰	۱۹۰	۱.۳۹	۳.۱۳	اجتماعی-فرهنگی
۰.۹۰۵	۰.۷۶۲	۰.۸۳۴	۰,۰۰۰	۱۹۰	۹.۱۴	۳۹.۳	خانوادگی
۰.۳۰۹	۰.۱۷۰	۰.۲۳۹	۰,۰۰۰	۱۹۰	۶.۸۱	۳.۲۴	فردی-روانی
۰.۷۰۶	۰.۵۶۲	۰.۶۳۴	۰,۰۰۰	۱۹۰	۱۷.۴۱	۳.۶۳	مدیریتی
۰.۳۷۴	۰.۲۸۰	۰.۳۲۷	۰,۰۰۰	۱۹۰	۱۳.۶۸	۳.۲۳	کل

مأخذ: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۷.



شکل ۲- وضعیت شاخص‌های مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی محله اسلام‌آباد با آزمون تک نمونه‌ای T - ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۷.

تحلیل همبستگی بین عوامل مؤثر آسیب‌های اجتماعی با آزمون رگرسیون خطی:

بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون خطی چندگانه (جدول ۶)، ضریب آماره R^2 برابر با ۰٫۶۹۲ می‌باشد می‌توان گفت که رابطه مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، خانوادگی، محیطی، فردی-روانی و مدیریتی با آسیب‌های اجتماعی، زیاد و قابل قبول است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰٫۰۵ است. بین شاخص‌های فوق و گسترش آسیب‌های اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد. بعد از اثبات معناداری رابطه متغیر وابسته و مستقل، طبق آماره R^2 باید میزان ارتباط بین متغیرهای تأثیرگذار و گسترش آسیب‌های اجتماعی بررسی قرار گیرد. با توجه به اینکه مقدار R^2 برابر ۰٫۶۹۲ است. می‌توان اظهار نمود که این رابطه در حد متوسط به بالا و یا به عبارت بهتر، زیاد است. این عامل نشان می‌دهد که عوامل ذکر شده، می‌توانند علت و جهت آسیب‌های اجتماعی را تبیین کنند و با برنامه‌ریزی جامع می‌توان به یک راهبرد منطقی در این زمینه رسید. علاوه بر این، با توجه به مقدار R ، می‌توان گفت که عوامل شش‌گانه گسترش آسیب‌های اجتماعی می‌توانند ۶۹ درصد از متغیر آسیب‌های اجتماعی شهر زنجان در محله اسلام‌آباد را توجیه کند که این مقدار همبستگی بسیار زیاد است و نشان می‌دهد که مدل رگرسیون خطی تا حدودی توانسته برای پیش‌بینی متغیر وابسته مورد استفاده قرار گیرد. این پیش‌بینی با توجه به مقدار سطح معنی‌داری ۰٫۰۰۰ قابل تعمیم و مورد تأیید است.

جدول ۶- تحلیل همبستگی بین عوامل مؤثر در آسیب‌های اجتماعی محله اسلام‌آباد شهر زنجان با آزمون رگرسیون خطی

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
مقدار	۰٫۶۹۶	۰٫۶۹۲	۰٫۶۹۲	۰٫۳۰۶۶

منبع: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۷.

از این آزمون برای مقایسه هم قواری چند جامعه آماری (جامعه آماری توزیع شده محله اسکان غیررسمی اسلام‌آباد) توأم با هم استفاده می‌شود. مقدار آماره F با درجه آزادی ۶ کمتر از ۱۸ است. با توجه به اینکه مقدار F در حدود ۷٫۶۸۹ است (جدول ۷) در نتیجه مقدار F از مقدار استاندارد فاصله دارد. از این رو، آماره F تقریباً نزدیک به مقدار بحرانی است و انحراف استانداردها تقریباً نامشابه است. این نشان می‌دهد که نمونه آماری نظرات مشابه و نزدیک به متوسطی به سوالات نداده‌اند و هر جامعه آماری نسبت به اهمیت موضوع در محله خود و نسبت به شدت آسیب‌های اجتماعی، نظر خود را ارائه داده است. این عامل نشان می‌دهد که بین مناطق تقریباً نابرابری وجود دارد و شرایط در سطح شهر یکسان نیست. با توجه به میزان اختلاف نظر جامعه آماری بر اساس آماره F ، سطح معناداری نیز کمتر از ۰٫۰۵ است. در نتیجه به دلیل اختلاف نظر جامعه آماری در زمینه عملکرد مؤلفه‌ها در گسترش آسیب‌های اجتماعی، می‌توان نتیجه آماره F را به کل جامعه آماری تعمیم داد و نتیجه گرفت که این شرایط در تمام نقاط شهر حاکم است و نظر کل مردم شهر زنجان چنین است.

جدول ۷- آزمون واریانس ANOVA تفسیر همبستگی متغیرها

Model	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
رگرسیون	۴۳٫۳۷۸	۶	۷٫۲۳	۷٫۶۸۹	۰٫۰۰۰
باقی‌مانده	۰٫۳۵۳	۳۷۵	۰٫۰۰۱		
کلی	۴۳٫۳۷	۳۸۱			

منبع: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۷.

در این زمینه شاخص‌های «اجتماعی-فرهنگی» با ضریب $(\beta=۰٫۶۲۷)$ بیش‌ترین همبستگی را بر گسترش آسیب‌های اجتماعی دارد. یعنی با تضعیف شرایط اجتماعی-فرهنگی در جامعه، آسیب‌های اجتماعی نیز گسترش پیدا می‌کند و با شدت یافتن آسیب‌های اجتماعی در جامعه به ویژه مناطق اسکان غیررسمی و حاد، شرایط اجتماعی-فرهنگی جامعه نیز به طور مداوم نقش‌های منفی و ناهنجاری‌ها را ترویج می‌کند. بعد از آن شاخص‌های «اقتصادی» با ضریب $(\beta=۰٫۲۷۴)$ ، «فردی-روانی» با ضریب $(\beta=۰٫۲۳۸)$ ، «خانوادگی» با ضریب $(\beta=۰٫۲۳۷)$ ، و «محیطی» با ضریب $(\beta=۰٫۲۳۶)$ ، در رتبه‌های بعدی قرار دارند (جدول ۸). در نهایت شاخص‌های «مدیریتی» با ضریب $(\beta=۰٫۲۳۲)$ ، کمترین همبستگی را با آسیب‌های اجتماعی دارد. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری در تمامی شاخص‌ها کمتر از ۰٫۰۵ است، بنابراین نتایج آزمون مورد تأیید بوده و قابل تعمیم به کل جامعه آماری است.

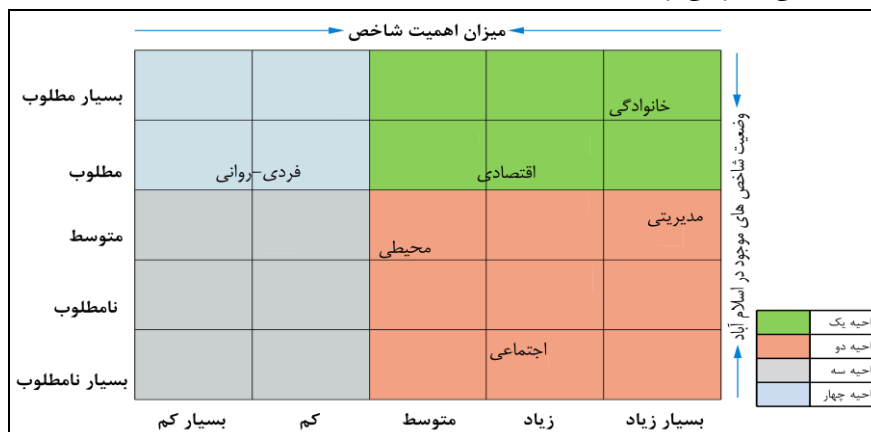
جدول ۸- میزان همبستگی متغیرها

Sig.	t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		Model
		Beta	Std. Error	B	
.,۰۰۰	۰.۶۱		۰.۰۲۱	۰.۰۱۲	مقدار ثابت
.,۰۰۰	۵۶.۰۳	۰.۳۷۴	۰.۰۰۳	۰.۱۶۴	اقتصادی
.,۰۰۰	۴۷.۰۳	۰.۲۳۶	۰.۰۰۴	۰.۱۶۹	محیطی
.,۰۰۰	۱۳۱.۵۶	۰.۶۲۷	۰.۰۰۱	۰.۱۶۴	اجتماعی- فرهنگی
.,۰۰۰	۵۰.۲۶	۰.۲۳۷	۰.۰۰۳	۰.۱۷۱	خانوادگی
.,۰۰۰	۴۹.۰۱	۰.۲۳۸	۰.۰۰۳	۰.۱۶۵	فردی-زیستی
.,۰۰۰	۴۹.۰۵	۰.۲۳۲	۰.۰۰۳	۰.۱۶۲	مدیریتی

منبع: مطالعات نگارندگان، ۱۳۹۷.

در ادامه از الگوی تحلیل یکپارچه مبتنی بر مدل ANP به منظور تحلیل یکپارچه از وضعیت آسیب های اجتماعی استفاده گردیده است. مدل مذکور جهت تحلیل این موضوع که کدام یکی از عوامل بر اساس روند فعلی درجه اهمیت بیشتری برای حل مسائل و ناهنجاری های اجتماعی محله اسلام آباد شهر زنجان دارند، سودمند می باشد. این مدل از دو محور افقی و عمودی تشکیل شده است. محور افقی میزان اهمیت هر شاخص را نشان می دهد. محور عمودی نیز به وضعیت موجود هر شاخص در محله اسلام آباد شهر زنجان اختصاص دارد که با استفاده از مطالعات میدانی و داده های به دست آمده از پرسشنامه تکمیل گردیده است. نتایج نهایی را می توان در ۴ ناحیه تحلیل کرد. ناحیه شماره یک، به شاخص هایی اختصاص دارد که از وضعیت مطلوب و بسیار مطلوب برخوردار بوده و همچنین خود شاخص نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. در این زمینه، مؤلفه های خانوادگی و اقتصادی قرار دارد. این رویه نشان می دهد که ضریب اهمیت و نوع ارتباط و تأثیر شاخص ها بر یکدیگر، گویای اهمیت ابعاد اقتصادی و خانوادگی در محله اسلام آباد است و ریشه اغلب آسیب های اجتماعی ناشی از ضعف سازوکارهای اقتصادی و تناقضات موجود در زندگی خانوادگی است.

ناحیه شماره دو، به شاخص هایی اختصاص دارد که علیرغم اهمیت بالایی که در تأثیرگذاری بر آسیب های اجتماعی محله اسلام آباد شهر زنجان دارند، از وضعیت مناسب برخوردار نیستند. در این زمینه، مؤلفه های مدیریتی، اجتماعی و محیطی در ناحیه دو قرار دارد. این وضعیت نشان می دهد که ۵۰ درصد شاخص ها در این ناحیه قرار دارد در نتیجه تأثیر متوسطی بر آسیب های اجتماعی دارند. اما نمی توان ریشه آسیب های اجتماعی محله را در این شاخص ها جستجو کرد. چرا که شاخص های این ناحیه، ضریب تأثیر واسطه ای داشته، و به نوعی عوامل رونمایی هستند. در ناحیه سوم هیچ شاخصی قرار نگرفته است. اما در ناحیه چهارم، شاخص فردی-روانی قرار دارد. اصولاً، شاخص هایی در ناحیه چهارم قرار می گیرند که از اهمیت کم و بسیار کم برخوردار هستند و بیشتر تأثیر پذیرند. لذا به نظر می رسد، بر اساس وزنی نمونه آماری و ضریب همبستگی با دیگر شاخص ها، شاخص فردی-روانی، غالباً از آسیب های اجتماعی تأثیر می پذیرد و به واسطه گسترش آسیب های اجتماعی در محله اسلام آباد، مؤلفه های فردی و روانی ساکنین محله، به شدت آسیب دیده، و به تقویت بیشتر آسیب های اجتماعی منجر می گردد.



شکل ۳- تحلیل نهایی میزان اهمیت و وضعیت موجود شاخص های آسیب های اجتماعی محله اسلام آباد با مدل ANP (مأخذ: یافته های تحقیق،

۱۳۹۷).

نتیجه گیری:

آسیب‌های اجتماعی یکی از محورها و مباحث اصلی مطالعات آسیب‌شناسی شهری در اغلب شهرهاست. این نوع آسیب‌ها دلایل، گونه‌ها و آثار و عوارض متعددی دارند و برنامه‌ریزی شهری نیز با هدف کاهش و کنترل آن، ناچار به اتخاذ رویکردهای متنوع و تحلیل‌های میان‌رشته‌ای است. درک صحیح و تحلیل دقیق و عمیق این بستر فضایی-جغرافیایی و ساختارهای فیزیکی، کالبدی و کارکردی بارگذاری شده در آن، با روش‌شناسی علوم محیطی، به ویژه دانش جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، یکی از مهم‌ترین ضرورت‌ها و نیازهای برنامه‌ریزی و مدیریت پایدار و پیشگیرانه رفتارهای شهری (جغرافیای رفتاری) به طور اعم و رفتارهای ناهنجار و آسیب‌زا (جغرافیای آسیب‌شناسی شهری) به طور اخص است. با توجه به بسیاری از منابع و مقالات مکتوب، به زعم آسیب‌شناسان اجتماعی، همه اشکال نابهنجاری‌های اجتماعی چون سرقت، قتل، قاچاق، خودکشی، فحشاء، اعتیاد، الکلیسم و نظایر آن، چه به مثابه انحراف و چه در زمره بیماری یا اختلال، معلول ناسازگاری‌های اجتماعی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم‌اند و در مناطق حاشیه‌نشین نمود بیشتری می‌یابند. از این رو می‌توان گفت که حاشیه‌نشینی، نمودی از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است. لذا شناخت و تحلیل زمینه‌های مؤثر بر آسیب‌پذیری اجتماعی و هدایت عوامل و نیروهای تعیین‌کننده می‌تواند در جهت دستیابی به شهر مطلوب مؤثر افتد. طبق یافته‌های حاصل از تحلیل نتایج، مهم‌ترین عوامل تقویت آسیب‌های اجتماعی در محله اسلام‌آباد ناشی از بیکاری (با ضریب ۰,۹۸۰)، بی‌عدالتی (نابرابری در ارائه خدمات شهری) (با ضریب ۰,۹۸۸) و توزیع ناعادلانه ثروت (با ضریب ۰,۹۷۸) می‌باشند. در بررسی دقیق تر هر کدام از ابعاد به طور جداگانه، بعد خانوادگی؛ ناآگاهی والدین از نیاز فرزندان با ضریب ۰,۹۶۴، بعد محیطی؛ روشنایی محله در شب با ضریب ۰,۹۸۴، بعد فردی روانی؛ قدرت‌طلبی با ضریب ۰,۷۷۳، بعد اجتماعی؛ ازدیاد جمعیت با ضریب ۰,۹۲۸ و بعد مدیریتی؛ کمبود نیروی پلیس با ضریب ۰,۶۶۷ قابل ذکر می‌باشند. لذا برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در محله اسلام‌آباد، باید ابعاد یادشده بیش از همه مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گیرند. همچنین، طبق آزمون تک نمونه‌ای T ، شاخص‌های اقتصادی با امتیاز $(t=22,9)$ بیش‌ترین امتیاز را کسب کرده‌اند و از نظر نمونه آماری، این شاخص‌ها در محله اسلام‌آباد، مؤثرترین مؤلفه است. این در حالی است که اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در مناطق اسکان غیررسمی بر نقش عوامل مدیریتی به ویژه مدیریت کالبدی (Meshkini et al, 2011; Kalantari, 2010, Ghezelbash, 2008; Gharaqlou, Mahdian, 2012; Ali Pour et al, 2015)؛ بر نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی به ویژه خانواده و مشکلات آن در گسترش آسیب‌های اجتماعی تأکید دارند. بدین ترتیب نمی‌توان یک عامل را در گسترش آسیب‌های اجتماعی در جامعه مؤثر دانست. با توجه به روابط سامان مند و همه‌جانبه پدیده‌ها و عناصر شهری با یکدیگر، مجموعه عوامل متعددی در ارتباط باهم منجر به خلق فضای ساختاری-کارکردی شهری می‌گردد، که متعاقب آن از این فضا نیز تأثیر می‌پذیرد. در نتیجه در مناطق اسکان غیررسمی نیز به واسطه عملکرد ضعیف کنشگران شهری، فضای مناسبی برای آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری به وجود می‌آید. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در محله اسلام‌آباد متوسط گسترش آسیب‌های اجتماعی برابر ۳,۳۳ است. این رویه نشان می‌دهد که از نظر ساکنین این محله، آسیب‌های اجتماعی در وضعیت بدتری قرار دارند و جامعه آماری نسبت به این شرایط نگران تر هستند. با این حال در گسترش آسیب‌های اجتماعی شاخص‌های اقتصادی به عنوان مؤثرترین بعد و شاخص‌های محیطی به عنوان کم تأثیرترین بعد تلقی می‌گردند.

علاوه بر این، تحلیل جزئی تر شاخص‌های مؤثر بر آسیب‌پذیری اجتماعی حاکی از آن است که شاخص‌های «اجتماعی- فرهنگی» با ضریب $(\beta=0,627)$ بیش‌ترین همبستگی و شاخص‌های «مدیریتی» با ضریب $(\beta=0,232)$ کمترین همبستگی را با آسیب‌های اجتماعی دارند. این روند نشان می‌دهد که به دنبال مدیریت ضعیف شهری و عدم ارائه خدمات اجتماعی در مناطق اسکان غیررسمی، خانواده‌های مواجه با مشکلات متعدد اقتصادی و خانوادگی و در بعضی مواقع بیماری‌های اعضای خانواده به این محلات مهاجرت می‌کنند و به واسطه ارزان بودن زمین و مسکن، افرادی که بضاعت که توانایی محدودی در حل مشکلات اجتماعی-اقتصادی دارند در این محلات ساکن می‌شوند. در نتیجه، در برنامه‌ریزی شهری و اقتصادی و اجتماعی باید توانمندسازی خانواده‌ها در اولویت قرار گیرد. علاوه بر این، الگوی تحلیل یکپارچه مبتنی بر مدل ANP نشانگر آن می‌باشد که مؤلفه‌های خانوادگی و اقتصادی با ضریب اهمیت و نوع ارتباط و تأثیر بر شاخص‌ها بیش‌ترین تأثیر را بر گسترش آسیب‌های اجتماعی دارد در نتیجه، ریشه اغلب آسیب‌های اجتماعی ناشی از ضعف سازوکارهای اقتصادی و تناقضات موجود در زندگی خانوادگی است. طبق این رویکرد، در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی محله اسلام‌آباد به منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی باید مؤلفه‌هایی مانند ناآگاهی والدین از نیاز فرزندان؛ بیکاری؛ بی‌عدالتی (نابرابری در ارائه خدمات شهری)؛ و سابقه اعتیاد در خانواده توجه ویژه صورت گیرد.

Reference:

1. Abdollahi, M (2006). *Crime Prevention through Urban Land Use Planning (Case Study: Theft Crime in Zanjan City)*, MSc Thesis, Supervisor: Mohsen Kalantari, Department of Geography, Faculty of Human Sciences, Zanjan University, Zanjan. (in Persian)
2. Adiban, S., Mohamadi, Z., Safarkhani, S (2016). *Zanjan city statistics*, Deputy of Planning and Development of Human Resources (Statistics Unit), Zanjan Municipality, Zanjan. (in Persian)
3. Ali akbari, E., Derakhshan, Sh (2014). *Analysis of Spatial Patterns of Social Pathos in Urban Environments Case Study: District 5 of Metropolitan Area of Tehran*, *Geographical Researches of Urban Planning*, 2(1), 49-72. (in Persian)
4. Ali Pour, L., Shevichi, J., Shah Vali, Gh., Farajollahi, B (2015). *Investigating the Factors Affecting the Marginalization in Ahvaz*, Paper presented at the Third National Conference of Sociology and Social Sciences, Tehran. (in Persian)
5. Aliber, M (2003). *Chronic poverty in South Africa: incidence, causes and policies*, *Journal of World Development*, 31 (3): 473-490.
6. Atkinson, R; Buck, N and Kintrea, K (2010). *Neighbourhoods and Poverty: Linking Place and Social Exclusion*, In N. Buck, I. Gordon, A. Hardiding & I. Turok, *Changing Cities-Rethinking Urban Competitiveness, Cohesion and Governance (154-171)*. Houndmills: Palgrave Macmillan publication.
7. Bahadori, A., Beik Mohamadi, H., Taghvaie, M (2017). *Cultural and Social Pathology of Urban Problematic Textures (Case Study: Karaj Worn Textures)*, *Journal of Spatial-Locative Researches*, 2, 16-32. (in Persian)
8. Bardi Ana Morad Nejan, R., Malekshahi, GH., Mohamadi, A (2014). *Assessment of the Role of Informal Settlements in Spatial Disruption of Urban Structure (Case Study: Gonbadkavus City)*, *Journal of Spatial Planning (Geography)*, 4(4), 65-86. (in Persian)
9. Beckley, Amber L (2015). *Deterrence versus Marginalization: Evidence from Immigrant Offending*, *Race and Justice*, July 2015; vol. 5, 3: 278-300.
10. Caves W. Roger (2005). *Encyclopedia of the city*, published by Routledge.
11. Daviran, S., Meshkini, A., Kazemian, GH., Ali Abadi, Z (2011). *Study of Intervention in Organizing Worn-Out and Inefficient Urban Textures by a Mixed Approach (Case Study: Zanjan Zeinabie Neighborhood)*, *Journal of Research and Urban Planning*, 2(7), 71-90. (in Persian)
12. Delanty, Gerard (2003). *Community*, Routledge.
13. Ezazi, SH (2004). *Society Structure and Violence against Women*, *Journal of Social Welfare*, 14, 59-96. (in Persian)
14. Firozi, M., Madanlou Joybari, M (2017). *Social Pathos Analysis in Worn-out Neighborhoods, Case Study: District 3 of Sari*, *Journal of Geographical Space Processing*, 7(24), 60-47. (in Persian)
15. Gharakhlou, M., Mehdi, A., Mahdian, M (2012). *An Investigation of Socio-Economic Indicators and their Impact on the Quality of Housing in Suburbs (Case Study: Sheikh Abad Suburbs of Qom)*, *Journal of Geographical Perspective (Human Studies)*, 7(18), 18-41. (in Persian)
16. Ghezelbash, S (2008). *Physical abnormalities in informal settlements of cities and its impact on the occurrence of social abnormalities Case study: Bisim informal settlement in Zanjan*, MSc thesis, Supervisor: Mohsen Kalantari, Department of Geography, Faculty of Human Sciences, University of Zanjan. (in Persian)
17. Golpour, M (2017). *Investigating and Analyzing the Factors Affecting the Escape of Girls*, Chapar Publication, Tehran. (in Persian)
18. Haliwal, g. S; Sangha, G. S. and Ralhan, P. K (2000). *Fundamentals of Environmental science*, Kalyani publisher, New Delhi.
19. Kalantari, M., Ghezelbash, S., Jabari, K (2010). *The Impact of Bisim Informal Settlement in Shaping Spatial Patterns of Drug Trafficking in Zanjan*, *Journal of Social Security Studies*, 21, 33-58. (in Persian)

20. Malekian, A., Abdollahi, E., Yar Mohamad Tavasoki, M (2016). *The Impact of Informal Settlements on the Sense of Social Security (Case Study: Yahya Abad Aran and Bidgol)*, *Contemporary Sociology Research Quarterly*, 5(9), 75-89. (in Persian)
21. McCord, E.S. and Ratcliffe J.H (2009). *Intensity Value Analysis and the Criminogenic Effects of Land use Features on Local Crime Patterns*, *Crime Patterns and Analysis*, 2 (1): 7, available at: www.jratcliffe.net/papers/McCord_Ratcliffe.
22. Meshkini, A., Sadeghi, Y., Akbari, M (2013). *Housing Security, Key to Organizing Informal Settlements, Case Study: Tehran Metropolitan Area (Islamshahr, Nasimshahr and Golestan) and Karaj in Alborz Province*, *Journal of Geography and Environmental Planning*, 50, 211-222. (in Persian)
23. Mirzad Zare, M (2015). *The Impact of Marginalization on Social Pathos*, *Second National Conference on Architecture and Sustainable Urban Landscape*, *Electronic, International Institute of Architecture, Mehrnaz Shahr Urban Planning*. (in Persian)
24. Mohseni, R. A (2015). *City and its Socio-Economic Pathology, Case Study: Gorgan*, *Journal of Social Research*, 8(29), 19-44. (in Persian)
25. Mowat, Joan (2015). *Towards a new conceptualization of marginalization*, *European Educational Research Journal*, September 2015; vol. 14, 5: pp. 454-476. First published on June 19.
26. Nasiri, M (2003). *The Impact of Marginalization on crime rates in metropolises*, *Jungle Publications, Tehran*. (in Persian)
27. Salehi Amiri, S., Khodaei, Z (2010). *Characteristics and Consequences of Informal Settlement and Urban Marginalization, Case Study: Tehran Metropolis*, *Journal of Iranian Social Issues Study*, 1(371514), 65-80. (in Persian)
28. Sedigh Sarvestani, R (2017). *Social Pathology (Sociology of Social Deviations)*, *Samt Publication, Tehran*. (in Persian)
29. Smolka, M (2008). *Informality and poverty in Latin American urban policies*, In: Martine. G, et al. (Eds.), *the New Global Frontier: Urbanization, Poverty, and Environment in the 21st Century*, *Eathscan, London*: 99-114.
30. Tak, T (2001). *City Center Security; Coventry and Nottingham Experience*, *Translated by: Ali Arab Dana, Organization of the Country Municipalities*, 3 (34), Tehran.
31. Tavasoli, GH., Nuor Moradi, S (2012). *A Sociological Study of the Causes of Widespread Social Patos in the Suburbs of Tehran Case Study: Chahar (Khak Sefid)*, *Iranian Journal of Social Development Studies*, 4(3), 79-65. (in Persian)
32. Vatan Dost, A., Aria, Z., Mozafari, S (2015). *Investigating the Relationship between Marginalization and Type of Drug Use in Mazandaran Province: Ahangar Region of Izad City*, *Second National Conference and First International Conference on Modern Research in Human Sciences*, *Institute of Idea Maker Viera Capital Managers, Tehran*. (in Persian)
33. Zangi Abadi, A., Parhiz, F., Khayam Bashi, E (2015). *Temporal-Locative Analysis of Social Pathos Related to Drugs (Case Study: District 12 of Tehran City)*, *Strategic Researches of Security and Social Order*, 4(9), 95-116. (in Persian).

Research Paper

***Analysis of Social pathos in Informal Settlement Areas
(Case Study: Islamabad Neighborhood of Zanjan City)***

Mohamad Taghi Heidari¹: Professor Assistant of Geography and urban planning, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Email Address: Phd. Student of urban planning, Isfahan University of art, Isfahan, Iran

Received: 2018/3/22

PP: 73- 76

Accepted:2018/9/11

Abstract

Unofficial settlements are one of the unsustainability backgrounds especially in developing countries, and have been formed due to the inability of urban policies to solve housing problems for vulnerable sections of society and migrations control. Informal settlements are associated with aggregation of low-income people and often with informal occupations and unstable urbanization, so that underlie many social pathos. The purpose of this study is to identify the factors affecting social pathos caused by informal settlements and their status in informal neighborhood of Islamabad in Zanjan city. The research method is exploratory-analytical and the data were collected through library studies and questionnaire. The number of statistical sample consists of 382 people of Islamabad neighborhood settlers. The research indicators are structured in the form of six dimensions of social pathos including economic, environmental, socio-cultural, familial, individual-psychological and managerial as researcher-made, and have been adjusted by studying the research background and theories and social pathos approaches. Factor analysis, single sample t test, multiple linear regression test and ANP integrated analysis model were used for data analysis. The findings show that the most important reinforcing factors to social pathos in Islamabad neighborhood are unemployment (with coefficient of 0.980), inequality (with coefficient of 0.988), and unequal distribution of wealth (with coefficient of 0.978). "Socio-cultural" (with the coefficient $\beta = 0.627$) have the highest correlation with the spread of social pathos. Means, as social-cultural conditions weaken in society, social pathos also spread.

Key words: Social Pathology, Marginalization, Management and Prevention of Crime, Zanjan City.

Extended abstract

Introduction:

Informal settlements as instability backgrounds of urban development, especially in developing countries, while creating a chaotic landscape in a particular part of the city, impose widespread social, economic and cultural damages on the whole city. So that there is a high percentage of illiteracy, unemployment, crime and mental disorders in these areas. Accordingly, informal housing is considered as one of the bases for social pathos and anomalies. The aforementioned pathos and anomalies can gradually disrupt the process of social life in the city, thus making urban management face with difficulty. In this regard, the present study is a scientific attempt to explain the interrelationships, mutual relationships and interactions between social structures and physical structures in the emergence of urban problems and pathos through understanding and analyzing the

¹. Corresponding Author's, Email: mt.heidari@znu.ac.ir, Tel: +989127407087

spatial patterns of human behavior and social pathos in Islamabad Neighborhood of Zanjan as one of the largest informal settlements in the city. Therefore, identifying the factors affecting the social pathos caused by the suburbs and their status in this area is the main issue of this study. Accordingly, the present study sought to answer these questions: What are the factors affecting the spread of social pathos in the informal neighborhood of Islamabad? What is the status of each of the factors affecting the spread of social pathos in the informal Neighborhood of Islamabad?

Methodology:

The present research is based on a retrospective strategy and it is an exploratory-analytical research. The statistical population of the study was the population of Islamabad neighborhood of Zanjan which was 35820 people in 1395. Then, using Morgan sampling method, 382 people were selected as the statistical sample for interviewing and distributing the questionnaire. The research indicators are research made and have been formulated in the form of six dimensions of social pathos including economic, socio-cultural, familial, environmental, individual-psychological and managerial and have been adjusted by background research and theories and approaches on social pathos. The required data and information were collected through library and field studies and questionnaire were used. Data analysis was performed through factor analysis test, single sample t test, multiple linear regression test and ANP integrated analysis model. SPSS and Expert Choice software were used to analyze the data.

Results and discussion:

Survey of social pathos indicators based on factor analysis shows that most of the indicators and items of the research have higher than average factor score. As a result, the coefficients are of great importance in identifying social pathos from the statistical sample point of view. In this regard, economic indicators are the most important regenerator factors to social pathos in Islamabad neighborhood. According to the one-sample t-test, the average effect of indicators on the spread of social pathos in Islamabad neighborhood is 3.33. That is, on average, research indicators have a spreading impact on social pathos. A more detailed analysis of the indicators shows that each of these components does not have the same or similar effect on the neighborhood, the results of the single-sample T-test, and its generalization to the entire Islamabad neighborhood, show a significant impact of economic factors ($t = 22.9$) on the spreading of social pathos in the neighborhood. According to the results of multiple linear regression tests, the coefficient of R^2 is 0.692 and R is 0.696. Therefore, it can be said that the relationship of economic, socio-cultural, familial, environmental, individual-psychological and managerial components with social pathos is high and acceptable. Since the significance level is less than 0.05, there is a significant relationship between the above indicators and the spread of social pathos, and the "socio-cultural" indicators with the coefficient ($\beta = 0.627$) had the highest correlation with social pathos. In addition, given the R value, it can be said that the six factors contributing to the spread of social pathos accounted for 69% of the social pathos variable in Zanjan in Islamabad neighborhood. Integrated analysis of social pathos status with ANP model shows that familial and economic components have a favorable status and high importance, managerial, environmental and social components have a poor status and high importance, the individual-psychological component has a favorable status but low importance.

Conclusion:

According to the results, economic indicators have gained the most score and from the statistical sample point of view, these indicators are the most effective component in spreading social pathos in Islamabad neighborhood. While the most researches on informal settlements emphasize the role of managerial factors, particularly physical management, some studies also emphasize the role of social and cultural factors, especially the familial, and its problems in the spread of social pathos. As such, it cannot be considered just a factor contributing to the spread of social pathos in society. Regarding the organized and pervasive relationships of urban phenomena and elements with each other, a variety of factors in relation to each other leads to the creation of a structural-functional urban space, which is subsequently influenced by the space. Also, given the moderate spread of social pathos, the current

process shows that from the residents' viewpoint, social pathos have the worse status and the statistical community is more concerned about these conditions. In addition, a more detailed analysis of the indicators affecting social vulnerability suggests that socio-cultural indicators have the highest correlation with social pathos. This trend shows that due to poor urban management and lack of social services in informal settlements, families with numerous economic and family problems and sometimes family members' illnesses, migrate to these neighborhoods. And because of the cheap land and housing, Poor people with limited ability to solve socio-economic problems reside in these neighborhoods. In addition, the integrated analysis based on the ANP model indicates that the familial and economic factors have the greatest impact on the spread of social pathos with the coefficient of importance and the type of relationship and the impact on the indicators.

